

مصاحبه گر: کیواندخت قهاری

دویچه وله: آقای مهدی خانباتهرانی، آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی گفته اند که با بی میلی می خواهند خود را کاندید ریاست جمهوری ایران بکنند. به نظر شما این چه رفتاری است که ایشان از خود نشان می دهند؟

مهدی خانباتهرانی: اجازه بدهید من قبل از پرداختن به مسئله ی رفتار آقای رفسنجانی به یک نکته ی اساسی اشاره کنم که من فکر می کنم این نکته نشان از وضعیت حاکم بر شرایط کنونی ایران در آستانه ی انتخابات ریاست جمهوری دارد. بدون تردید وضعیت موجود در آستانه ی انتخابات این دوره ی نهم اصلا قابل مقایسه با هیچیک از دوره ها نیست. در این دوره همه ی نشانه ها حاکی از این است که بخش وسیعی از شهروندان ایرانی به یک سیاست امتناع ملی روی آورده اند و یا یک استراتژی قهر و بی تفاوتی را در برابر صندوقهای انتخاباتی برگزیده اند. این وضعیت یقینا در رفتار و کردار و گفتار همه ی جناح ها و صف بندی ها و بویژه شخص آقای رفسنجانی تاثیر گذارده است. در چنین موقعیتی وضعیت آقای رفسنجانی به نظر من بیشتر از دیگران قابل ملاحظه است، چون ایشان در گذشته ها چندین دوره مسئولیت درجه ی اول داشته اند و در انتخابات های قبلی هم ۲ دوره ریاست جمهوری بوده اند. به این جهت است که هاشمی رفسنجانی بقول مشهدی ها سیاست "موخوام و نموخوام" را انتخاب کرده یا تاکتیک انتظار و اضطراب را تا از این طریق توجه ی همه را بخود جلب کند و عملا این روش از یکطرف دیگر حاکی از عدم اطمینان آقای رفسنجانی به پیرویش در این دوره است و شاید هم با اینکار می خواهد بیشتر جناحهایی را که بخود نزدیک می بیند برای همکاری و ائتلاف جلب بکند، در صورتیکه به میدان بیاید. وضعیت آقای رفسنجانی طوری ست که من فکر می کنم رفتاری را که پیش گرفته از روزهای اول این است که به آن نیروهایی که بخودش نزدیک می بیند توجه بدهد که آقا در صورت انتخاب من میآیم، چون من فکر می کنم مجموعه ی شرایط نشان می دهد که هیچیک از کاندیداها بویژه شخص آقای رفسنجانی در دور اول انتخاب نخواهد شد و اینکار به دور دوم می رسد. برای دور دوم، به نظر من این میآیم و نمی آیم آقای رفسنجانی یا عدم تمایل یا بزبان دیگر بی میلی ها نشان می دهد که ایشان می خواهد متوجه کند جناح مثلا اصلاح طلب را که در صورتیکه ما آمدیم میدان و نیروهای اصولگرا یک صف ایستادند جلوی ما، در دوره ی دوم بدانید که راه حل چیست.

دویچه وله: آقای تهرانی، اینطور که متوجه شدم شانس را برای آقای رفسنجانی نمی بینید.

مهدی خانباتهرانی: چرا، اگر به نظر من مسئولین کشور با در نظر نگرفتن شرایط حساس کشور بروند به پای یک انتخاباتی که از همه سوی مورد اعتراض است، خود نیروهای ملی در داخل کشور، نیروهای اصلاح طلب و حتا نهاد حقوق بشر تا دیروز علنا گفته اند که آقا این انتصابات است، انتخابات نیست. یعنی همه اعتراض دارند و بسیاری از نیروهای شرکت کننده حتا خواست یک انتخابات آزاد را دارند. من می خواهم این را بگویم که اگر نیروهای حکومتی و مسئول بی توجه به تمام این اعتراضات بخواهند به پای انتخابات بروند و آقای رفسنجانی هم به این انتخابات کشیده بشود، چرا. در چنین صورتی آقای رفسنجانی میان دو انتخاب دیگر که اصولگرایان یا اصلاح طلبان باشند، ایشان هم میزانی از شانس را دارد و به همین دلیل من می گویم که آقای رفسنجانی در دور اول انتخابات نخواهد شد و به دور دوم می رود. برای دور دوم احتمال بسیار است که بخشی از اصلاح طلبان در اثر همین رفتارهای تاکتیکی بی که آقای رفسنجانی می کند متوجه ی این بشوند که شاید راه حل این باشد که آنها هم رای شان را در مقابل نماینده ی اصولگرا مثل آقای لاریجانی یا هر کس دیگری به آقای رفسنجانی بدهند. در چنین صورتی ممکن است آقای رفسنجانی حتا انتخاب بشود، ولی با رای بسیار پایین که به نظر من خود نشانی از مشروعیت نظام و انتخابات نخواهد بود.

دویچه وله: اگر فرض کنیم که آقای رفسنجانی انتخاب بشوند، چشم انداز پس از انتخاب ایشان را چگونه می بینید؟

مهدی خان‌بابا تهرانی: پندارها و توهمات‌ی که بسیاری در وجود آقای رفسنجانی دارند، یکی اش هم این است که فکر می‌کنند آقای رفسنجانی بسیار آدم نیرومند یا مرد قدر قدرتی ست که بعد از وفات آقای خمینی بوده است و ایشان می‌تواند چند کار را انجام بدهد. یکم اینکه آقای رفسنجانی می‌تواند رابطه‌ی با آمریکا را برقرار کند و از سوی دیگر، از آنجایی که قدرت دارد و با برقراری مناسبات با آمریکا وجهه‌ی بهتری پیدا می‌کند با قدرت بیشتر می‌تواند قدرت مطلقه‌ی ولایت فقیه را تعدیل یا محدود بکند و یا حتا نفی بکند. و من فکر می‌کنم این یک پندار واهی بیش نیست. دسته بندی درون نظام نشان می‌دهد که چنین امکاناتی را آقای رفسنجانی ندارد و از طرف دیگر، بسیار بد است که آقای رفسنجانی یا هر کاندید دیگری قبل از اینکه آشتی خارجی را مطرح می‌کند به آشتی داخلی نیانجامد. چون من عقیده ام بیشتر بر این است که این انتخابات را مردم اگر هم از شرکت در آن امتناع می‌کنند، خواست اساسی شان این است که بالاخره این آشتی ملی در ایران انجام بگیرد و هر سیاستمداری هم که می‌آید باید سیاستی مبتنی بر همبستگی ملی و وفاق ملی را برای استقرار آزادی‌ها و اصولاً وضع بهتر آینده‌ی ایران پیش بینی یا پیشنهاد کند. چنین پیشنهادی از جانب هیچیک از کاندیدها در یک برنامه‌ی مدون به چشم نمی‌خورد. فکر می‌کنم، اگر انتخابات در این بی‌رونقی، یعنی در این تاریکی بخواهد پیش برود همان انتصاب خواهد شد میان بد و بدتر و به نظر من اگر آن بد هم بیاید کار عجیبی نمی‌کند. آقای رفسنجانی در چنین صورتی شانس دارد که وضع اختناق ادامه پیدا کند، آقای جنتی از یکسو طناب دار در دست و حکم اعدام در جیب جامعه را تهدید کند. در چنین شرایطی چرا می‌آید، ولی به نظر من حاصل کاری نخواهد داشت حضور آقای رفسنجانی در کرسی ریاست جمهوری دوره‌ی نهم.

دوچه وله: سپاسگزارم از شما آقای تهرانی که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.